

شوروی و انقلاب ایران

مقاله‌ای که ترجمه فارسی آن را می‌خوانید، در آخرین شماره مجله "آسیا و آفریقای امروز" (ژوئیه - اوت ۱۹۸۶) به انتشار رسیده است. این مجله توسط کمیته همبستگی شوروی با آفریقا و آسیا و تحت نظارت آکادمی علوم اتحاد جماهیر شوروی منتشر می‌شود، بنابراین، مطالب مندرج در آن، کم و بیش طرز فکر جاری مقامات شوروی را منعکس می‌کنند. در این مقاله، آقای آرتیوم آراباژان جمع‌بندی خود را از دلایل و درس‌های انقلاب ایران ارائه داده است. ما، برای اطلاع خواننده ایرانی، انتشار ترجمه کامل این مقاله را (بر اساس متن انگلیسی) ضروری یافتیم.

نویسنده این مقاله اعتقاد دارد که نقطه اوج انقلاب ایران در واقع تشکیل کابینه بختیار بود، و بدین ترتیب، بزرگترین اشتباه چپ را در حمایت نکردن از این کابینه می‌داند. بعلاوه، بزعم ایشان، این انقلاب به هیچ وجه نه محدودیت رشد سرمایه‌داری در ایران را اشیات گردونه اجتناب ناپذیر بود، بلکه صرفاً معرف مرحله‌ای از رشد سرمایه‌داری در ایران بود که برخی تغییرات روبنایی در راه استقرار یک رژیم بورژوا دموکراتیک را ایجاد می‌کرد. بعبارت دیگر، آنچه در ایران مشاهده کرده‌ایم نه نبرد میان انقلاب توده‌های کارگر و حاکمیت و ضد انقلاب سرمایه‌داری (از نوع آخوندی و سلطنتی) بلکه دعوی میان دو آلترناتیو متفاوت بورژوازی بوده است.

برای یافتن دلایل پشت این چون و چرا، جدید "شرق شناسان" شوروی نباید دنبال مسایل ایدئولوژیک رفت. تجربه انقلاب ایران، همانطور که بسیاری تجارب دیگر، اثبات کرد که مقامات شوروی سیاست خارجی خود را هرگز بر چینی‌مسایلی بنا نمی‌کنند. دلیل این تغییر بسیار واضح است: خیانت دولت شوروی و ابزار دست نشانده سیاست خارجی آن در ایران، یعنی حزب توده، به انقلاب ایران و همکاری آن با ضد انقلاب آخوندی - سرمایه‌داری به قوای دموزیایی که انتظار داشتند، منجر نشد. از طرف دیگر، بتدریج روشن می‌شود که رژیم فعلی در ایران رفتنی است. بنابراین، باید که دولت شوروی حزب دست‌نشانده را برای خیانت بعدی آماده کند: برای توجیه بازگشت سلطنت و باعادی شدن روابط سرمایه‌داری در ایران.

از جریاناتی در چپ ایران که ادعای مخالفت با حزب توده را دارند، اما، سنگ "اردوگاه سوسیالیستی" را به سینه می‌زنند باید پرسید، حال چه می‌گویید؟ شمای که معتقدید به کمک شوروی و از طریق "راه رشد غیر سرمایه‌داری" - سوسیالیسم خواهید رسید، در مقابل نظایین "شرق شناسان" همین "اردوگاه" که راه رشد بسیار هم سرمایه‌دارانه را برای ایران تبلیغ می‌کند، چه می‌گویید؟ شمای که برای پرده - پوشی تمام خیانات حزب توده و همپالگی‌های اکثریتی اش، خطر عمده در چپ ایران را "سوسیال دموکراسی" و "لیبرالیسم" قلمداد می‌کنید، در مقابل نظایین "کمونیست" آکادمی علوم شوروی که بختیاری سلطنت طلب را رهبر انقلاب بسوززوا - دموکراتیک در ایران می‌داند، چه می‌گویید؟ آیا سرمنشأ خطر سوسیال دموکراتیزه شدن چپ ایران در چند روشنفکر بی نفوذ است یا در خود "اردوگاه سوسیالیستی" شما؟

بعلاوه باید به آن جریانات بی‌مایه‌ای که در اعتراض به سیاست اصولی عناصر مبارز سوسیالیستی و کارگری مبتنی بر بی‌اعتمادی کامل به حزب توده و اکثریت و امتناع از مشارکت در کمیته‌ها و اتحاد عمل‌های مشخص با عناصر این دستجات خائن، به موعظه در باب دموکراسی و وحدت کشیده شده‌اند، هشدار داد که خود را برای عواقب راهی که در پیش گرفته‌اند، آماده کنند. ادا مه این سیاست نتیجه‌ای جز همکاری با ضد انقلاب سلطنت طلب نخواهد داشت. همانطور که همپالگی‌های این حزب در دوره گذشته به ابزار توجیه جاسوسی و جنایت "حزب الله" علیه مبارزین انقلابی تبدیل شدند، در دوره بعدی به بازسازی ساواک جدید کمک خواهند کرد.

در ضمن، چنانچه در آینده نزدیک شاهدش این گونه گرایش‌های توجیه‌گر حزب توده و اکثریت بویژه در میان عناصر و محافل لیبرال، سوسیال دموکرات و بورژوا دموکرات و نزدیکی و همکاری بیشتر آنها شدیم، تعجیبی نخواهیم داشت.

در هر حال، بخوانید و قضاوت کنید ●

هسته طرفدار نشریه سوسیالیسم و انقلاب در لندن -

سپتامبر ۱۹۸۶

